

المجموعة المصورة لأشهر معالم المدينة المنورة: عبدالعزيز كعكي، المدينة، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۹ق؛ المختصر النافع: المحقق الحلی (م. ۷۶ق)، چاپ قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۶ق؛ نزهة المشتاق: شریف الادریسی (م. ۵۶ق)، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۹ق؛ النهایه: مبارک ابن اثیر (م. ۶۰ق)، به کوشش الزاوی و الطناحی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش؛ وفاء الوفاء: السمهودی (م. ۹۱۱ق)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۶م؛ وفيات الاعیان: ابن خلکان (م. ۸۱ق)، به کوشش احسان عباس، بیروت، دار صادر.

دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق؛ منتهی المطلب: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق)، چاپ سنگی؛ المهدب: القاضی ابن البراج (م. ۴۸۱ق)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۶ق؛ نزهة المشتاق: شریف الادریسی (م. ۵۶ق)، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۹ق؛ النهایه: مبارک ابن اثیر (م. ۶۰ق)، به کوشش الزاوی و الطناحی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش؛ وفاء الوفاء: السمهودی (م. ۹۱۱ق)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۶م؛ وفيات الاعیان: ابن خلکان (م. ۸۱ق)، به کوشش احسان عباس، بیروت، دار صادر.

المجموعة المصورة لأشهر معالم المدينة المنورة: عبدالعزيز كعكي، المدينة، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۹ق؛ المختصر النافع: المحقق الحلی (م. ۷۶ق)، چاپ قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۶ق؛ نزهة المشتاق: شریف الادریسی (م. ۵۶ق)، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۹ق؛ النهایه: مبارک ابن اثیر (م. ۶۰ق)، به کوشش الزاوی و الطناحی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش؛ وفاء الوفاء: السمهودی (م. ۹۱۱ق)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۶م؛ وفيات الاعیان: ابن خلکان (م. ۸۱ق)، به کوشش احسان عباس، بیروت، دار صادر.

گروه جغرافیا



### بقیع، بارگاهها: بناهای ساخته شده بر

#### قبور امامان و بزرگان در قبرستان بقیع

بقعه از «ب - ق - ع» در لغت به معنای قسمتی از زمین است که از نقاط همجوارش متمایز باشد.<sup>۱</sup> همچنین بر صومعه، زیارتگاه، مقبره، و مزار امامان دین و بزرگان<sup>۲</sup> و اتاقلک گرداگرد مزار ایشان<sup>۳</sup> اطلاق شده است. بقیع\* از همین ریشه و نام مشهورترین قبرستان مسلمانان است که در جنوب شرقی

۱. العین، ج ۱، ص ۱۸۴؛ المحيط فی اللغة، ج ۱، ص ۱۹۵؛ مجمع البحرین، ج ۴، ص ۳۰۱؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۲۸۱، «بقعه».

۲. لغتنامه، ج ۳، ص ۴۲۵۶، «بقعه».

۳. فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۵۵۶، «بقعه».

شخصیت‌های اسلامی شد؛ جواز و مطلوبیت زیارت قبور اموات افزون بر این که از آیات قرآن کریم از جمله آیات ۲۱ کهف/۱۸ و آیه ۸۴ توبه/۹ برداشت می‌شود،<sup>۷</sup> در روایت‌های گوناگون پیامبر ﷺ سفارش شده است.<sup>۸</sup> این روایت‌ها آنچنان فراوان هستند که در برخی کتاب‌های روایی فصلی مستقل به آن‌ها اختصاص یافته است.<sup>۹</sup> پیامبر ﷺ هر شب جمعه به بقیع می‌رفت و مدفونان آن را با جملاتی مخاطب قرار می‌داد.<sup>۱۰</sup> او در واپسین سال زندگانی خود از سوی خداوند مأمور شد تا به بقیع رود و برای اموات طلب آمرزش کند.<sup>۱۱</sup> از عایشه نیز گزارش‌هایی درباره حضور پیامبر در بقیع و طلب آمرزش برای اهل بقیع در دست است.<sup>۱۲</sup> بقیع مورد توجه اهل بیت ﷺ نیز بوده و گزارش‌هایی از زیارت بقیع از جانب آن‌ها در منابع یاد شده است.<sup>۱۳</sup> در روایت‌های اهل

مسجدالنبی ﷺ قرار دارد. با هجرت پیامبر به مدینه و گسترش این شهر، تعیین قبرستانی برای دفن اموات مسلمانان ضرورت یافت. از این رو، پیامبر ﷺ در پی بازدید از سرزمین‌های گوناگون مدینه، بقیع را که در مسیر باب جبرئیل مسجد قرار داشت،<sup>۱</sup> برگزید.<sup>۲</sup> از زمان این رویداد گزارشی در دست نیست؛ ولی با توجه به هنگام وفات اسعد بن زراره خزرجی در شوال سال اول ق. و دفن او در بقیع، شاید بتوان تعیین بقیع را به عنوان قبرستان مسلمانان به سال اول و پس از بنای مسجد یا هم‌زمان با آن دانست.<sup>۳</sup> البته برخی نویسندگان به قرینه مرثیه عمرو بن نُعمان بیاضی، تاریخ دفن مردگان در بقیع را پیش از اسلام یاد کرده و گفته‌اند که با ظهور اسلام، این قبرستان به مسلمانان اختصاص یافت.<sup>۴</sup>

با دفن صحابی بزرگ عثمان بن مظعون<sup>۵</sup> به سال دوم ق. و سپس دفن ابراهیم فرزند خردسال پیامبر ﷺ به سال دهم ق. و نیز با تشویق‌های ایشان،<sup>۶</sup> این قبرستان مورد توجه اصحاب قرار گرفت و مدفن بزرگان صحابه و

۷. الحصون المنیعه، ص ۲۷؛ الملل و النحل، ج ۴، ص ۲۵۲؛ الزیارة و التوسل، ص ۱۴.

۸. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۵ سنن النسائی، ج ۴، ص ۹۴؛ بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۷۰.

۹. صحیح ابن حبان، ج ۷، ص ۴۳۹؛ شعب الایمان، ج ۷، ص ۱۴.

۱۰. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۳۲؛ کامل الزیارات، ص ۵۲۹؛ وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۱۱.

۱۱. ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۳۳.

۱۲. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۳؛ تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۹۰؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۱۳-۲۱۴.

۱۳. الخصال، ج ۱، ص ۲۷۳؛ البداية و النهایه، ج ۵، ص ۲۴۳؛ القاب الرسول و عترته، ص ۵۸.

۱. بقیع الغرقه، ص ۲۱.

۲. الطبقات، ج ۳، ص ۳۹۹؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۹۰؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۷۷.

۳. الطبقات، ج ۳، ص ۶۱۱؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۶۰۱.

۴. معالم مکه و المدینه، ص ۴۰۷-۴۰۸.

۵. الطبقات، ج ۱، ص ۱۴۴.

۶. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۲۱؛ وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۳.

بیت علیه السلام زیارت قبور مؤمنان مایه خوشحالی آن‌ها دانسته شده و سفارش گشته که بر مزار پدر و مادر و امامان، از خداوند نیاز بخواهند.<sup>۱</sup> از این رو است که دانشورانی بسیار از شیعه<sup>۲</sup> و سنی<sup>۳</sup> زیارت بقیع را مستحب دانسته و بر استحباب زیارت قبر مطهر پیامبر صلی الله علیه و آله اجماع کرده‌اند.<sup>۴</sup> بر پایه گفته رفعت پاشا (م. ۱۳۵۳ ق.) مردم مدینه هر پنجشنبه به زیارت اهل قبور بقیع می‌رفتند و بر قبرها دسته‌های ریحان و کنار آن‌ها شاخه‌های گل می‌چیدند.<sup>۵</sup>

رواج دفن مسلمانان و شخصیت‌های دینی در بقیع و توجه فراوان مسلمانان به استحباب زیارت قبور بزرگان و مؤمنان، به تدریج موجب شد تا بناهایی بر برخی از این قبور برپا گردد. از جمله این شخصیت‌ها می‌توان به عباس بن عبدالمطلب عموی پیامبر صلی الله علیه و آله، چهار امام شیعیان و چهره‌هایی دیگر از بنی‌هاشم و بستگان پیامبر صلی الله علیه و آله، صحابه بزرگوار او و دانشوران و نخبگان مسلمان در طول تاریخ اشاره کرد. (← ادامه مقاله)

نخستین گزارش‌ها از ساخت بنا بر قبور که

در منابع نخست با عنوان مسجد از آن یاد شده است، به عهد نبوی بازمی‌گردد. بر این اساس، ابوجندل بن سهیل از تیره بنی‌عامر بن لؤی مسجدی بر قبر ابوبصیر عتبه بن أسید ثقفی (م. قبل از ۸ ق.) ساخت<sup>۶</sup> و رسول خدا صلی الله علیه و آله با وجود آگاهی از این کار، آن را نهی نکرد. پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و دفن او در خانه خود، حفظ و تعمیر این بنا از همان سال‌های آغازین مورد اهتمام مسلمانان و خلفا بوده است. عمر بن خطاب (حک: ۱۳-۲۳ ق.) دیواری بر قبر پیامبر ساخت.<sup>۷</sup> عمر بن عبدالعزیز، حاکم مدینه به سال ۹۱ ق. به دستور ولید بن عبدالملک اموی (حک: ۸۶-۹۶ ق.) با هدف گسترش مدفن حضرت، خانه او را ویران کرد و در تجدید بنا، محوطه پیرامون قبر را به آن افزود و حجره او را با سنگ مرمر تزیین کرد.<sup>۸</sup> در روزگار ملک منصور نورالدین ایبک صالحی (حک: ۶۵۵-۶۵۷ ق.) از ممالیک مصر در سال ۶۵۶ ق. با استفاده از مصالح ساختمانی ارسالی از مصر، مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله تعمیر و تزیین شد<sup>۹</sup> و نخستین گنبد به نام

۶ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۶۱۴؛ تاریخ دمشق، ج ۲۵، ص ۳۰۰؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۱۵۰.  
 ۷ وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۵۴۴؛ کشف الارتیاب، ص ۳۱۴.  
 ۸ الاعلاق النفیسه، ص ۶۹؛ الانس الجلیل، ج ۱، ص ۳۰۵؛ انارة الترغیب، ج ۲، ص ۳۷۸.  
 ۹ تاریخ المدینه، ص ۱۷۷، ۳۳۰؛ بهجة النفوس، ج ۱، ص ۵۴۰؛ وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۱۵۴.

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۲۳.  
 ۲. المذهب، ج ۱، ص ۲۸۳؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۱۰؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۳۸۳.  
 ۳. معنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۱۳؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۶۰۱.  
 ۴. الشفا بتعریف حقوق المصطفی، ج ۲، ص ۱۹۴؛ شرح الشفا، ج ۲، ص ۱۵۰؛ وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۸۷.  
 ۵. مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۴۲۶-۴۲۷.

پایه گزارشی، پیامبر ﷺ پس از وفات عثمان بن مظعون، وی را در بخش میانی بقیع دفن کرد و فرمود: «هذه الروحاء»؛ «این جا، مکان راحتی و آسایش است.»<sup>۷</sup> از آن پس سنگی را به نشانه این قبر بر آن نهاد.<sup>۸</sup> این سنگ تا هنگام حکمرانی مروان بن حکم بر مدینه، در دوره حکومت معاویه بن ابی سفیان (حك: ۴۰-۶۰ ق.) بر قبر عثمان قرار داشت تا این که به فرمان وی از آن جا برداشته شد<sup>۹</sup> و به گزارشی آن را بر قبر عثمان بن عفان نهادند<sup>۱۰</sup> که تا آن هنگام بیرون از بقیع قرار داشت و تازه به بقیع پیوسته بود؛ پس از وفات ابراهیم پسر ۱۸ ماهه پیامبر ﷺ به سال دهم ق. او امر کرد که وی را کنار قبر عثمان بن مظعون دفن کنند<sup>۱۱</sup> و بالای قبر ابراهیم نیز سنگی به عنوان علامت نصب کرد.<sup>۱۲</sup> سپس بالای قبر او ایستاد و بر ساکنان آن سلام داد.<sup>۱۳</sup>

روایتی از دفن رقیه (م. ۲ ق.)<sup>۱۴</sup> و زینب

«قبه زرقا»<sup>\*</sup> بر حجره شریفه در حکومت سلطان قلاوون مملوکی (حك: ۶۷۸-۶۸۹ ق.) به سال ۶۷۸ ق. زده شد.<sup>۱</sup> از سده دوم ق. ساخت بنا و بارگاه بر قبور در سرزمین‌های اسلامی رایج شد.<sup>۲</sup> بر قبر امیر المؤمنین علیه السلام گنبدی به دستور خلیفه عباسی هارون الرشید (حك: ۱۷۰-۱۹۳ ق.) در سده دوم ق. ساخته شد.<sup>۳</sup> گنبد جعفر (م. ۱۸۶ ق.) پسر منصور عباسی نیز گواه وجود بنا و گنبد بر برخی قبور در میانه سده دوم ق. است.<sup>۴</sup> اعتراض نکردن مسلمانان به این کار، نشان دهنده صحت عمل خلفا و اتصال سیره مسلمانان در بنای بر قبور<sup>\*</sup> است.<sup>۵</sup> بر این اساس، در طول تاریخ، بقعه‌ها و گنبدهایی بر قبور بزرگان و شخصیت‌های مدفون در بقیع ساخته شد. (تصویر شماره ۱۳) مشهورترین این بناها عبارتند از:

۱. بقعه عثمان بن مظعون صحابی پیامبر و ابراهیم فرزند خردسال رسول خدا ﷺ. ابوسائب عثمان بن مظعون جُمحی صحابی بزرگ پیامبر ﷺ بود. وی را نخستین مهاجری دانسته‌اند که در مدینه وفات یافت. هنگام وفات وی را سال دوم یا سوم ق. نوشته‌اند.<sup>۶</sup> بر

۱. وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۱۵۷.

۲. مقابر، ج ۱، ص ۲۷.

۳. کشف الارتیاب، ص ۳۰۸؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۳۶.

۴. المدخل الی موسوعة العتبات المقدسه، ص ۱۵۸.

۵. صیانة الآثار، ص ۷۹-۸۰.

۶. الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۰۵۳-۱۰۵۵.

۷. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۰۰.

۸. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۰۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۹۸.

۹. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۰۲؛ وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۴؛ الدرّة الثمینة، ص ۱۶۸.

۱۰. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۴.

۱۱. اخبار المدینه، ص ۲۰۷؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۸۸.

۱۲. الطبقات، ج ۱، ص ۱۴۴؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۸۸؛ سبل الهدی، ج ۱۱، ص ۲۴.

۱۳. الطبقات، ج ۱، ص ۱۴۴؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۸۸؛ تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۹۹.

۱۴. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۰۳.

(م.ق.۸). دختران رسول خدا نزدیک قبر عثمان بن مظعون حکایت دارد.<sup>۱</sup> گزارش‌هایی از دفن افرادی چون عبدالرحمن بن عوف زهری از مهاجران به حبشه و مدینه (م.۳۲/۳۱.ق.) که با عثمان بن مظعون پیمان بسته بود تا کنارش دفن شود،<sup>۲</sup> ابو امامه اسعد بن زراره خزرجی از حاضران در دو بیعت عقبه و نقیب بنی نجار (م.اول.ق.)، سعد بن ابی وقاص زهری از نخستین اسلام آوردگان (م.۵۵.ق.)، عبدالله بن مسعود هذلی از نخستین اسلام آوردگان و از مهاجران به حبشه و مدینه (م.۳۲.ق.)،<sup>۳</sup> خنیس بن حذافه سهمی داماد عمر و از مهاجران به حبشه و مدینه و از شهدای احد (م.۳.ق.) و فاطمه بنت اسد مادر امام علی (ع) (م.۳.ق.)<sup>۴</sup> کنار قبر عثمان و ابراهیم حکایت دارند. بر این قبور گنبد و ضریحی ساخته شده بود که منابع پیشین به هنگام ساخت و نیز سازنده آن اشاره ندارند. شماری از محققان با توجه به شباهت ضریح ساخته شده برای قبور امامان شیعه و عباس با ضریح موجود بر این قبور، ساخت این بنا را نیز به مجدالملک براوستانی\* (م.۴۹۲/۴۹۳.ق.) وزیر ایرانی سلطان برکیارق سلجوقی (حك:

۴۸۶-۴۹۸.ق.) نسبت می‌دهند.<sup>۵</sup> ابن جبیر (م.۶۱۴.ق.) در وصف این ضریح، آن را از جنس چوب دانسته که با نقش‌های بدیع تزیین شده بود و میخکوبی‌هایی به شکل بسیار زیبا بر آن دیده می‌شد. این ضریح به صورت پنجره‌ای چوبی بود که رو به قبله باز می‌شد.<sup>۶</sup> مطری (م.۷۴۱.ق.) نیز همراه اشاره به مرقد ابراهیم، از ضریح مشبک سمت قبله مرقد یاد کرده است.<sup>۷</sup> گنبد ساخته شده بر این بقعه به رنگ سفید بود.<sup>۸</sup> از گزارش‌ها درباره این گنبد که واپسین آن‌ها به رفعت پاشا به سال ۱۳۲۵.ق. بازمی‌گردد، برمی‌آید که این بنا تا هنگام ویرانی اول بقعه‌های بقیع در سال ۱۲۲۰.ق. در دولت اول سعودی باقی بوده است.<sup>۹</sup> اکنون قبور موجود در این بقعه نشانه‌گذاری شده است.

۲. بقعه امامان شیعه (ع) و عباس عمومی پیامبر (ع) عقیل بن ابی طالب برادر امام علی (ع) بیرون بقیع و در سمت جنوب آن خانه‌ای بزرگ<sup>۱۱</sup> در برابر خانه امام علی (ع)

۵. اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۲۹۹؛ تاریخ حرم ائمه بقیع، ص ۱۹۳.

۶. رحلة ابن جبیر، ص ۱۷۴.

۷. التعریف بما أنست الهجرة، ص ۱۱۹-۱۲۰.

۸. رحلة ابن جبیر، ص ۱۷۳-۱۷۴؛ رحلة ابن بطوطه، ص ۱۱۹.

۹. مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۴۲۶.

۱۰. من اخبار الحجاز و النجد، ص ۱۰۴؛ عنوان المجد، ص ۱۳۷؛

البقیع قصة التدمير، ص ۸۴.

۱۱. الطبقات، ج ۴، ص ۴۴؛ المعارف، ص ۲۰۴.

۱. مسند احمد، ج ۱، ص ۲۲۷؛ مجمع الزوائد، ج ۳، ص ۱۷.

۲. الدرّة الثمینة، ص ۱۶۸؛ وفاة الوفاء، ج ۳، ص ۸۸.

۳. الطبقات، ج ۳، ص ۱۵۱.

۴. وفاة الوفاء، ج ۳، ص ۸۸.

داشت.<sup>۱</sup> (تصویر شماره ۱۴) به گزارشی، پیامبر ﷺ در گوشه‌ای از این خانه می‌ایستاد و برای اهل بقیع آموزش می‌طلبید. روایت شده که دعا کردن در آن مستجاب است.<sup>۲</sup> در گذر زمان، این خانه مکان دفن بزرگانی از بنی‌هاشم شد و بعدها به بقیع ملحق گشت. در منابع، این بخش از بقیع به مقابر بنی‌هاشم شهرت یافته است.<sup>۳</sup> فاطمه بنت اسد (م. ۳ق.)، عباس بن عبدالمطلب (م. ۳۲ق.) عموی پیامبر ﷺ، چهار تن از امامان شیعه، امام حسن (شهادت ۵۰/۴۹ق.)،<sup>۴</sup> امام سجاد (شهادت ۹۵/۹۴ق.)،<sup>۵</sup> امام محمد باقر (شهادت حدود ۱۱۷/۱۱۴ق.)<sup>۶</sup> و امام جعفر صادق علیه السلام (شهادت ۱۴۸ق.)<sup>۷</sup> از مدفونان در این خانه‌اند. بر پایه روایتی، امام سجاد علیه السلام این خانه را در حدود سال ۶۵ق. بازسازی کرد.<sup>۸</sup>

از هنگام پیوستن خانه عقیل به بقیع و ساخت بارگاه بر این قبور، آگاهی دقیقی در دست نیست. با توجه به وجود مدفن عباس بن عبدالمطلب، جدّ عباسیان، در این خانه، به

احتمال می‌توان گفت که دهه‌های نخست سده دوم ق. که هم‌زمان با روی کار آمدن عباسیان است، هنگام تقریبی این امر بوده است. شاید از این رو است که در گزارش‌های سده دوم ق. و از آن پس، به وجود این قبور اشاره شده است. ابن زبالة (م. ۱۹۹ق) از وجود مسجدی (حرم) بر قبر عباس بن عبدالمطلب و امامان شیعه خبر داده است.<sup>۹</sup> ابن شبّه (م. ۲۶۲ق) نیز از وجود مسجدی در سده سوم ق. بر قبر فاطمه بنت اسد گزارش داده است.<sup>۱۰</sup> با توجه به نزدیکی قبور امامان شیعه و عباس به قبر فاطمه، به نظر می‌رسد که همه این قبور را در بر می‌گرفت. مسعودی (م. ۳۴۵ق.) عبارت این سنگ را چنین گزارش داده است: «بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله مُبْدِ الْأُمَمِ وَ مَحْيِ الرَّمَمِ هَذَا قَبْرُ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ قَبْرِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ»<sup>۱۱</sup>.

از ساخت نخستین گنبد بر مزار عباس و امامان شیعه نیز گزارش‌هایی متناقض در دست است. آورده‌اند که در سده پنجم ق. مجدالملک براوستانی گنبدی بر قبور امامان

۱. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۲.

۲. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۲.

۳. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۲۷.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۴۷۲؛ البدایة و النهایة، ج ۸، ص ۴۸.

۵. الکافی، ج ۱، ص ۴۶۹؛ تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۶۳۱.

۶. مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۱۹؛ دلائل الامامة، ص ۲۱۵-۲۱۶.

۷. ذخائر العقبی، ص ۱۴۱؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۱۹.

۸. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۳۴۴-۳۴۵.

۹. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۲۶-۱۲۷.

۱۰. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۲۳.

۱۱. مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۸۵؛ التنبیه و الاشراف، ص ۲۶۰؛

تذکره الخواص، ص ۳۱۱.

شیعه و عباس ساخت که بسیار بزرگ بود.<sup>۱</sup> مطری به ساخت این گنبد بزرگ در دوران حکومت ناصر احمد بن مستضیء عباسی (حك: ۵۷۵-۶۲۲ق.) اشاره می‌کند.<sup>۲</sup> ابن نجار (م. ۶۴۳ق.) که هم‌عصر با ناصر عباسی است، به قدمت گنبد تصریح دارد.<sup>۳</sup> از این رو، به نظر می‌رسد که گزارش مطری غیرواقعی است. توصیفات ابن جبیر از این گنبد و قبور درون آن، از دقت بیشتر برخوردار است. وی گنبد ساخته شده بر این قبور را بسیار مرتفع شمرده که نزدیک در ورودی بقیع قرار داشت. قبور درون بقیعه، بزرگ و از سطح زمین بلندتر بودند. این قبور ضریحی چوبین داشتند که با نقوشی برجسته از جنس مس با میخ‌کوبی‌هایی تزیین شده بود.<sup>۴</sup> عبدری (م. بعد از ۷۰۰ق.) این بقیعه را همراه با بقیعه عثمان بن عفان بزرگ‌ترین و زیباترین بارگاه بقیع دانسته است.<sup>۵</sup> ابن نجار از وجود دو در برای بقیعه یاد می‌کند که تنها یکی از آن دو هنگام زیارت گشوده می‌شد.<sup>۶</sup> از دیگر کسانی که درباره چگونگی بقیعه، گنبد و ضریح قبور امامان شیعه به این مطلب اشاره کرده‌اند، می‌توان از

ابن بطوطه<sup>۷</sup>، خالد بن عیسی (زنده به سال ۷۴۰ق.)<sup>۸</sup> و سمهودی (م. ۹۱۱ق.)<sup>۹</sup> یاد کرد. محمد حسین فراهانی، از رجال دربار قاجار، در گزارش خود از سفر حج سال ۱۳۰۲ق. از بقیعه هشت ضلعی امامان شیعه و عباس خبر می‌دهد. بر پایه این گزارش، در این بقیعه صندوقی بزرگ از جنس چوب مرغوب بود و میان این صندوق بزرگ دو صندوق چوبی دیگر قرار داشت. درون يك صندوق قبر چهار امام شیعیان و درون صندوق دیگر قبر عباس قرار داشته است.<sup>۱۰</sup>

این گزارش که همانند آن در سفرنامه ۱۲۹۲ق. فرهاد میرزا نیز به چشم می‌خورد<sup>۱۱</sup>، بیانگر ساخت ضریحی جدید است که در گزارش‌های تا پیش از سده دهم ق. از آن یاد نشده است. بقیعه عباس و امامان بقیع طی سده‌های پیاپی مورد تعمیر و مرمت قرار گرفت. منابع از تعمیر بقیعه به سال ۵۱۹ق. به دستور مسترشد عباسی (حك: ۵۱۲-۵۲۹ق.) و نیز در روزگار مستنصر عباسی (حك: ۶۲۳-۶۴۰ق.) گزارش داده‌اند. کتیبه نصب شده بالای محراب بقیعه که دربردارنده دستور

۱. الکامل، ج ۱۰، ص ۳۵۲.

۲. التعریف بما أنست الهجره، ص ۱۱۹.

۳. الدرۃ الثمینة، ص ۱۶۶.

۴. رحلة ابن جبیر، ص ۱۷۴.

۵. رحلة العبدی، ج ۱، ص ۴۲۳.

۶. الدرۃ الثمینة، ص ۱۶۶.

۷. رحلة ابن بطوطه، ص ۱۲۵.

۸. تاج المفرق، ج ۱، ص ۲۸۹.

۹. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۰.

۱۰. پنجاه سفرنامه، ج ۵، ص ۳۳۷.

۱۱. سفرنامه فرهاد میرزا، ص ۱۴۱.

بسیاری از تاریخ‌نگاران و مدینه‌شناسان مکان قبر وی را به اشتباه در شمال شرقی بقیع و شمال بقعه عثمان بن عفان دانسته و از رواج زیارت این قبر در دوران خود گزارش داده‌اند.<sup>۶</sup> منابع پسین نیز این نظر را تأیید کرده‌اند.<sup>۷</sup> سمهودی این گزارش را مردود و آن را نتیجه برداشت اشتباه ابن نجار از گزارش منابع پیشین دانسته و خود از دفن فاطمه نزدیک قبر ابراهیم و عثمان بن مظعون در روحاء گزارش داده است.<sup>۸</sup>

با پیوستن خانه عقیل به بقیع و نیز ساخت بنا بر روی قبور امامان شیعه، قبر فاطمه نیز که در جنوب غربی این قبور قرار داشت، در این بنا قرار گرفت. گزارش ابن شهبه از وجود مسجدی در سده سوم ق. در این مکان می‌تواند از ساخت نخستین بنا بر این قبر حکایت کند.<sup>۹</sup> این قبر هیچگاه دارای ضریح نبوده و تنها پارچه‌ای گرانبها و گلابتون بر آن کشیده بودند.<sup>۱۰</sup> بر پایه وقف‌نامه سلطان سلیمان عثمانی به سال ۹۴۷ ق. پرده‌ای ویژه برای این

خلیفه مستنصر برای تعمیر بقعه است، این ادعا را تأیید می‌کند.<sup>۱</sup> از تعمیر این بقعه به سال ۱۲۳۴ ق. به دستور سلطان محمود عثمانی (حك: ۱۲۲۳-۱۲۵۵ ق.) و به دست محمد علی پاشا و نیز به سال ۱۲۹۲ ق. در دوران حکومت عبدالعزیز خان عثمانی (حك: ۱۲۷۷-۱۲۹۳ ق.) گزارش شده است.<sup>۲</sup> آورده‌اند که پس از بازسازی سال ۱۲۳۴ ق. این بقعه و دیگر بارگاه‌های بقیع همه ساله تعمیر می‌شدند.<sup>۳</sup> (تصویر شماره ۱۵)

۳. بقعه حضرت فاطمه بنت اسد: فاطمه بنت اسد (م. ۳ ق.) از دیگر مدفونان در بقیع است که بر قبر وی بنایی ساختند. گزارش‌ها حکایت دارند که پیامبر به دلیل علاقه فراوان به فاطمه بنت اسد مادر امام علی علیه السلام او را مادر خود می‌دانست.<sup>۴</sup> پس از رحلت آن بانو، او را با آداب ویژه دفن کرد. لباس خود را به جای کفن بر او پوشاند و برای ایمنی یافتنش از فشار قبر، لحظاتی در گور او خوابید. کهن‌ترین مدینه‌شناسان و منابع مدینه‌شناسی قبر وی را نزدیک قبر عباس و در خانه عقیل می‌دانند.<sup>۵</sup> در سده ۷ ق. ابن نجار و پس از وی

۶. الدرّة الثمینة، ص ۱۶۸؛ التعریف بما أنست الهجرة، ص ۴۳؛ انارة الترغیب، ج ۲، ص ۳۵۱.

۷. تاریخ معالم المدینة المنوره، ص ۳۵۲؛ الجواهر الثمینة، ص ۲۰۵؛

موسوعة مرآة الحرمین، ج ۴، ص ۷۲۲.

۸. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۵.

۹. تاریخ المدینة، ج ۱، ص ۱۲۳.

۱۰. سفرنامه فرهاد میرزا، ص ۱۵۶؛ پنجاه سفرنامه، ج ۵،

ص ۲۳۸.

۱. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۰.

۲. سفرنامه فرهاد میرزا، ص ۱۴۱.

۳. پنجاه سفرنامه، ج ۵، ص ۲۳۷.

۴. تاریخ المدینة، ج ۱، ص ۱۲۴؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۴.

۵. تاریخ المدینة، ج ۱، ص ۱۲۳-۱۲۴.



بقعه و بقاع دیگر فرستاده شد.<sup>۱</sup> در سده‌های اخیر و در هنگام ازدحام حاجیان، شبکه‌ای از فولاد در جلوی طاق‌نما به صورت حائلی میان قبر و فضای عمومی درون حرم قرار می‌گرفت.<sup>۲</sup> این شبکه در زمان ویرانی بقاع بقیع در ۸ شوال سال ۱۳۴۴ق. به هفت قطعه تقسیم شد که شش قطعه آن را روی دیوار سمت راست و چپ در ورودی محوطه حرم حضرت حمزه رضی الله عنه و قطعه دیگر را سمت قبور شهدا نزدیک کوه احد نصب کردند.<sup>۳</sup>

۴. بقعه همسران پیامبر: از دیگر بقاع مهم قبرستان بقیع، بقعه‌ای بود که بر مزار برخی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله بنا نهاده شده بود و در فاصله پنج متری جنوب قبر عقیل<sup>۴</sup> و شمال قبور امامان شیعه قرار داشت. بنای این بقعه به سال ۸۵۲ق. و در دوران حکومت امیر جقمق مملوکی (حك: ۸۴۲-۸۵۷ق.) به دست امیر بردبک معمار ساخته شده بود.<sup>۵</sup> این قبور پیش از آن با دیوار سنگی کوتاه از دیگر قبرها متمایز شده بودند.<sup>۶</sup> فرهاد میرزا (م. ۱۳۰۵ق.) در سفر خود به سال ۱۲۹۲ق. به وجود ضریح

بر این قبور اشاره دارد.<sup>۷</sup> به رغم تصریح بسیاری از منابع به دفن همه همسران پیامبر جز خدیجه و میمونه در بقیع<sup>۸</sup>، در تعیین شمار همسران وی که در این بخش از بقیع و در این بارگاه مدفون شده‌اند، اختلاف نظر دارند. ابن شبه از وجود قبر ام‌حبیبیه، دختر ابوسفیان، در خانه عقیل و قبر ام‌سلمه در بیت الاحزان یاد می‌کند.<sup>۹</sup> این نجار به وجود چهار قبر برجسته در این بارگاه بدون اشاره به همسران پیامبر اشاره کرده<sup>۱۰</sup>؛ اما سمهودی آگاهی از وجود این تعداد قبر را درون بقعه به سبب مسطح بودن کف آن‌ها ناممکن دانسته است.<sup>۱۱</sup> از این رو، تصریح برخی منابع و سفرنامه‌های پسین به نام هشت تن از همسران مدفون در این بارگاه را باید فاقد اعتبار دانست.<sup>۱۲</sup>

۵. بقعه عثمان بن عفان: بقعه مهم بعد در انتهای بقیع، متعلق به عثمان بن عفان است. پس از کشته شدن وی به سال ۳۵ق. از دفن جسدش در قبرستان بقیع پیشگیری شد و

۷. سفرنامه فرهاد میرزا، ص ۱۵۶.  
 ۸. الدرّة الثمینة، ص ۱۶۵؛ التعریف بما أنست الهجرة، ص ۱۱۹؛ بهجة النفوس، ج ۲، ص ۱۰۱.  
 ۹. تاریخ المدینة، ج ۱، ص ۱۲۰.  
 ۱۰. الدرّة الثمینة، ص ۱۶۶.  
 ۱۱. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۱.  
 ۱۲. فصول من تاریخ المدینة، ص ۱۶۷-۱۶۸؛ پنجاه سفرنامه، ج ۵، ص ۲۴۱.

۱. تاریخ القویوم، ج ۴، ص ۱۷، ۲۰.  
 ۲. پنجاه سفرنامه، ج ۵، ص ۲۳۷؛ سفرنامه فرهاد میرزا، ص ۱۴۱.  
 ۳. تاریخ حرم ائمه بقیع، ص ۱۰۷-۱۰۹.  
 ۴. فصول من تاریخ المدینة، ص ۱۶۷-۱۶۸.  
 ۵. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۱.  
 ۶. التعریف بما أنست الهجرة، ص ۱۲۰.

جعفر: بقعه معروف دیگر، بقعه عقیل (م. حدود ۶۰ق.). برادر امیر المؤمنین و نیز عبدالله بن جعفر (م. ۸۰ق.). برادرزاده عقیل است. این دو در خانه عقیل و در يك قبر<sup>۸</sup> دفن شده‌اند. مزار اینان نزدیک به بقعه عباس و امامان شیعه و در فاصله پنج متری با قبور همسران پیامبر ﷺ قرار دارد. ابوسفیان بن حارث (م. ۲۰/۱۵ق.)، پسر عمو و برادر رضاعی پیامبر ﷺ از دیگر مدفونان در این بارگاه است.<sup>۹</sup> درباره زمان ساخت این بقعه و سازنده آن، آگاهی چندانی در دست نیست. گزارش ابن نجار از این بقعه، از ساخت آن تا پیش از سده هفتم ق. حکایت دارد.<sup>۱۰</sup>

۷. بقعه دختران پیامبر: بقعه منسوب به دختران پیامبر ﷺ، رقیه (م. ۲ق.) و ام کلثوم (م. ۹ق.). همسران عثمان بن عفان، و زینب (م. ۸ق.). همسر ابی‌العاص بن ربیع از دیگر بقعه‌هایی بود که در شمال قبور امامان شیعه و جنوب غربی قبور همسران پیامبر ﷺ و نزدیک قبر عثمان بن مظعون قرار داشت. منابع از دفن رقیه<sup>۱۱</sup> و زینب<sup>۱۲</sup> در بقیع، نزدیک به قبر عثمان

پیکرش در شرق بقیع<sup>۱</sup> در محلی به نام حش/حش (بستان) کوب که محل دفن مردگان یهودی بود،<sup>۲</sup> دفن شد. در روزگار حکومت مروان بن حکم بر مدینه، به دستور معاویه، دیوار میان بقیع و حش کوب<sup>۳</sup> برداشته شد و کوشیدند تا با دفن مردگان مسلمان در فاصله میان بقیع تا حش کوب، قبر عثمان به بقیع افزوده شود.<sup>۴</sup>

ابن جیبر از وجود گنبدی کوچک بر بقعه عثمان گزارش داده است.<sup>۵</sup> پس از وی، ابن نجار و نیز ابن بطوطه (م. ۷۷۰ق.) از بزرگ بودن این گنبد سخن گفته‌اند.<sup>۶</sup> به نظر می‌رسد که در فاصله دیدار ابن جیبر و ابن نجار، گنبدی بزرگ جایگزین گنبد پیشین شده است. ساخت این گنبد را به اسامه بن سنان صالحی، از امیران سلطان صلاح‌الدین ایوبی، به سال ۶۰۱ق. نسبت داده‌اند.<sup>۷</sup> عبدری (م. بعد از ۷۰۰ق.) این بقعه را همراه با بقعه عباس، بزرگ‌ترین و زیباترین بارگاه‌های بقیع دانسته است.<sup>۸</sup>

۶. بقعه عقیل بن ابی‌طالب و عبدالله بن

۱. التعریف بما أنست الهجرة، ص ۱۲۰.

۲. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۴۳۸.

۳. اخبار المدینه، ص ۲۰۹؛ تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۱۲-۱۱۳؛

تاریخ طبری، ج ۳، ص ۴۳۸.

۴. رحلة ابن جیبر، ص ۱۷۴.

۵. الدرّة الثمینة، ص ۱۶۶؛ رحلة ابن بطوطه، ج ۱، ص ۳۶۱.

۶. التعریف بما أنست الهجرة، ص ۱۲۰؛ وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۲.

۷. رحلة العبدی، ج ۱، ص ۴۲۳.

۸. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۰-۱۰۱.

۹. تاریخ حرم ائمه بقیع، ص ۲۳۵.

۱۰. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۲۷؛ نک: الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۶۷۳.

۱۱. الدرّة الثمینة، ص ۱۶۶.

۱۲. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۰۳؛ الکافی، ج ۳، ص ۲۴۱؛ الطیقات،

ج ۸، ص ۳۷.

۱۳. مسند احمد، ج ۱، ص ۲۳۷؛ الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۰۵۶؛

المستدرک، ج ۳، ص ۱۹۰.

بن مظعون، بر پایه سفارش پیامبر ﷺ حکایت دارند. اما از مکان دفن ام کلثوم گزارشی در دست نیست. تنها نویسندگان پسین چون فرهاد میرزا<sup>۱</sup> و رفعت پاشا<sup>۲</sup> به دفن ام کلثوم کنار دیگر دختران پیامبر اشاره نموده و به بقعه ساخته شده بر قبر اینان توجه کرده‌اند. بر این قبور ضریحی برنجی قرار داشت.<sup>۳</sup>

۸. بقعه حلیمه سعدیه: در شمال شرقی بقیع، بقعه‌ای وجود داشت که به حلیمه، دایه پیامبر ﷺ منسوب بود. منابع پیشین از زمان وفات این بانو و مکان دفن وی سخن نگفته‌اند. تنها قاضی عیاض (م. ۵۴۴ق.) از دیدار وی با ابوبکر و عمر یاد کرده<sup>۴</sup> و مقریزی (م. ۸۴۵ق.) از وفاتش در روزگار پیامبر و تأثر رسول خدا از مرگ او یاد کرده است.<sup>۵</sup>

ابن بطوطه از قبر حلیمه در بصره گزارش داده؛ اما در سفرنامه‌های سده‌های اخیر<sup>۶</sup> از وجود قبر این بانو در بقیع و در مسیر قبر عثمان بن عفان<sup>۷</sup> یاد شده است. بر این قبر، گنبد و بارگاهی ساخته بودند که تاریخ ساخت آن

نامعلوم است. درون این بارگاه، ضریحی چوبی بر قبر نصب شده بود.<sup>۸</sup> نایب الصدر شیرازی (م. ۱۳۴۴ق.) در گزارش سفر حج خود به سال ۱۳۰۵ق. از دو بیت شعر ترکی نگاشته شده بر در این بقعه یاد کرده است.<sup>۹</sup>

۹. بقعه صفیه عمه پیامبر ﷺ: دیگر قبری که در بقیع بر آن بنایی ساخته بودند، قبر صفیه (م. ۲۰ق.). دختر عبدالمطلب و عمه پیامبر ﷺ است. این قبر تا نیمه دوم سده ۱۴ق. بیرون از بقیع و در کوچه‌ای در بخش غربی آن قرار داشت.<sup>۱۰</sup> زمین کنار این قبر از سوی عثمان بن عفان به مغیره بن شعبه واگذار شد و مغیره در این زمین برای خود خانه‌ای ساخت.<sup>۱۱</sup> از این رو، قبر صفیه کنار دیوار این خانه قرار داشت. مطری (م. ۷۴۱ق.) از کوشش ناموفق معماران برای ساخت گنبد بر این بنا خبر می‌دهد.<sup>۱۲</sup> سمهودی (م. ۹۱۱ق.) از بنایی بر قبر صفیه سخن گفته که فاقد گنبد بوده است. سید اسماعیل مرندی در سفرنامه‌اش به سال ۱۲۵۵ق. از وجود گنبدی بر بنای این قبر گزارش داده است.<sup>۱۳</sup> بر این اساس، باید ساخت گنبد را در فاصله قرن ۱۰ تا ۱۳ق.

۱. سفرنامه فرهاد میرزا، ص ۱۵۶.

۲. مرآة الحرمین، ص ۴۷۸.

۳. پنجاه سفرنامه، ج ۵، ص ۲۴۱.

۴. الشفا بتعریف حقوق المصطفی، ج ۲، ص ۱۱۵.

۵. امتاع الاسماع، ج ۲، ص ۶.

۶. الرحلة الوریثیانه، ج ۲، ص ۵۳۹؛ موسوعة العتبات المقدسه، ج ۳.

ص ۲۸۲؛ پنجاه سفرنامه، ج ۵، ص ۴۷۸.

۷. پنجاه سفرنامه، ج ۵، ص ۴۷۸-۴۷۹.

۸. پنجاه سفرنامه، ج ۵، ص ۲۴۲.

۹. پنجاه سفرنامه، ج ۵، ص ۴۷۹.

۱۰. مدینه‌شناسی، ص ۳۹۴.

۱۱. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۲۶-۱۲۷.

۱۲. التعریف بما أنست الهجره، ص ۱۲۱.

۱۳. میقات حج، ش ۵، ص ۱۱۸، «توصیف مدینه».

بارگاه‌های ساخته شده در بقیع، بقعه‌ای است که به نافع (م. ۱۱۸/۱۲۰ق.) از قراء هفت‌گانه مدینه تعلق داشته است. این بارگاه کنار بقعه مالک بن انس در شمال شرقی بقیع قرار داشت. سمهودی با توجه به آن که چنین بارگاهی در گزارش مطری در سده ۸ق. نیامده، آن را از بناهای ساخته شده پس از عصر وی دانسته؛ ولسی از سازنده بقعه و هنگام ساخت آن گزارش نداده است.<sup>۶</sup>

۱۲. بقعه اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام: قبر اسماعیل (م. ۱۳۳ق.) فرزند بزرگ امام صادق نیز از قبوری بود که نخست بیرون بقیع و در غرب قبر عباس و امامان شیعه قرار داشت و بر آن بقعه و گنبدی ساخته بودند. ساخت این بقعه و گنبد را به فاطمیان نسبت داده‌اند.<sup>۷</sup> فاصله این آرامگاه تا بقعه امامان شیعه، حدود ۱۵ متر بود. پس از ویرانی بقعه‌های بیرون بقیع به دست وهابیان، گرداگرد قبر اسماعیل دیواری کشیدند. در سال ۱۳۵۳ش/۱۳۹۴ق. پس از زیرسازی و گسترش خیابان ابوذری، جسد اسماعیل با حضور بزرگان اسماعیلیه<sup>۸</sup> به درون بقیع انتقال یافت و در سمت شرقی مقابر شهدای حره به سوی قبر حلیمه سعدیه دفن شد. اکنون این قبر بر اثر ساخت پیاده‌روهای

دانست؛ در سال ۱۳۷۳ق. شهرداری مدینه با برداشتن دیوارهای حائل میان بقیع و کوچه‌ای که قبر صفیه در آن قرار داشت، این کوچه و زمین‌های مجاور آن را با مساحت ۳۴۹۴ متر مربع به بقیع پیوند داد.<sup>۱</sup> اکنون این قبر درون بقیع و کنار دیوار غربی قرار دارد؛ وجود قبوری گمنام کنار قبر صفیه، برخی نویسندگان پسین را به اشتباه واداشته و سبب شده که این قبر را به عاتکه، دیگر عمه پیامبر، نسبت دهند؛<sup>۲</sup> اما منابع سیره و صحابه‌نگاری در اسلام آوردن عاتکه تردید کرده‌اند.<sup>۳</sup>

۱۰. بقعه مالک بن انس: از دیگر بناهای ساخته شده در بقیع، بقعه‌ای است متعلق به مالک بن انس (م. ۱۷۹ق.) از امامان مذاهب اهل سنت که در رحاء بقیع و نزدیک بارگاه ابراهیم قرار داشت. این بقعه با گنبدی کوچک در گزارش ابن جبیر یاد شده است.<sup>۴</sup> با توجه به این گزارش، باید ساخت این بقعه را به پیش از سده هفتم ق. مربوط دانست. بنای این بارگاه به حدی کوچک بود که دفن فردی دیگر در آن امکان نداشت.<sup>۵</sup>

۱۱. بقعه نافع مولی ابن عمر: از دیگر

۱. فصول من تاریخ المدینه، ص ۱۷۳.

۲. مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۴۲۶.

۳. المعارف، ص ۱۲۸-۱۲۹؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۷۷۸-۱۷۷۹؛ مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۸۶.

۴. رحلة ابن جبیر، ص ۱۷۴.

۵. رحلة البدری، ج ۱، ص ۴۲۳؛ بهجة النفوس، ج ۲، ص ۱۰۴۹.

۶. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۲.

۷. التعریف بما أنست الهجرة، ص ۱۲۱؛ وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۳.

۸. آثار اسلامی، ص ۳۴۸؛ تاریخ حرم ائمه بقیع، ص ۳۰۱-۳۰۲.

درون بقیع، محو شده است.<sup>۱</sup>

#### ◀ دیگر بارگاه‌های بقیع: از دیگر بقعه‌ها

و بارگاه‌های بقیع، می‌توان به این موارد اشاره کرد: بقعه و گنبدی کوچک بر قبر سعد بن معاذ رئیس اوس (م. ۳۵ق.)<sup>۲</sup> و ابوسعید خدری از بزرگان خزرج (م. ۶۴ق.) در انتهای بقیع<sup>۳</sup>، بقعه‌ای کوچک بر قبر ابن ابی‌الهیجاء (زنده در سده ۶ق.) از امیران دولت فاطمی در غرب بقعه عباس و امامان شیعه<sup>۴</sup>، بقعه امیر چوپان از امیران ایلخانی (م. ۷۲۳/۷۲۸ق.)<sup>۵</sup> نزدیک بقعه ابن ابی‌الهیجاء و قبر شیخ احمد احسایی (م. ۱۲۴۳ق.) بزرگ شیخیه، پشت بقعه امامان شیعه که به سال ۱۳۰۲ق. از وجود ضریحی فلزی برای آن یاد شده<sup>۶</sup> است.

#### ◀ تخریب بقاع بقیع: برخی اهل سنت به

ویژه وهابیان در پرتو افکار ابن تیمیه به روایاتی برای تخطئه بنای بر قبور استناد کرده<sup>۷</sup> و ساختن بنا بر قبور را بدعت و شرك دانسته‌اند.<sup>۸</sup> (← بنای بر قبور) بر پایه این اعتقاد، در پی قدرت یافتن

وهابیان در حجاز و بر خلاف وعده عبدالعزیز بن سعود به مسلمانان و نیز بر خلاف اجماع مذاهب که نباید به سبب اختلاف در فروع مذهبی یکدیگر را تکفیر کنند، آنان حکم ویرانی همه بقعه‌ها را در حجاز صادر کردند. در سال ۱۲۲۰ق. مدینه به محاصره نیروهای وهابی درآمد و پس از تسلیم شدن شهر، سعود بن عبدالعزیز همراه توقیف و تصرف همه اموال موجود در خزائن حرم نبوی، دستور ویران کردن همه گنبدهای بقیع را صادر کرد.<sup>۹</sup> (تصویر شماره ۱۶) با توجه به موج اعتراض مسلمانان کشورهای اسلامی به اهانت‌های سعودیان، دولت عثمانی که به بازپس گرفتن حرمین تمایل داشت، لشکری انبوه برای تصرف مدینه فرستاد و در ذی حجه ۱۲۲۷ق. مدینه را بازپس گرفت. برخی از این بقعه‌ها به سال ۱۲۳۴ق. به دستور سلطان محمود ثانی (حك: ۱۲۲۳-۱۲۵۵ق.) بازسازی شد<sup>۱۰</sup>؛ اما با حمله دیگر بار وهابیان به سال ۱۳۴۴ق. همه آثار تاریخی این قبرستان به فتوای شیخ عبدالله بلهد، قاضی القضاة سعودی، در هشتم شوال همان سال ویران شد.<sup>۱۱</sup> (تصویر شماره ۱۷) این بار نیز ویرانی بقیع واکنش‌هایی بسیار میان

۱. تاریخ حرم ائمه بقیع، ص ۳۰۱-۳۰۳.

۲. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۲۵؛ التحفة اللطیفة، ج ۱، ص ۴۲.

۳. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۹؛ تاریخ معالم المدینه، ص ۳۵۲.

۴. نزهة الناظرین، ص ۳۱۸.

۵. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۰.

۶. پنجاه سفرنامه، ج ۵، ص ۲۳۹-۲۴۰.

۷. الاختائیه، ج ۱، ص ۱۵۰؛ الفتاوی الکبری، ج ۵، ص ۲۹۲؛ تفسیر

قرطبی، ج ۱۱، ص ۳۷۹.

۸. الاختائیه، ج ۱، ص ۱۵۰؛ الفتاوی الکبری، ج ۵، ص ۲۸۷-۲۹۲؛

روح المعانی، ج ۸، ص ۲۲۵.

۹. من اخبار الحجاز و النجد، ص ۱۰۴؛ عنوان المجد، ص ۱۳۷؛

البقیع قصة التدمیر، ص ۸۴.

۱۰. سفرنامه فرهاد میرزا، ص ۱۴۱.

۱۱. البقیع قصة التدمیر، ص ۱۱۳-۱۳۹؛ بقیع العرقد، ص ۴۹.

### ◀ منابع

آثار اسلامی مکه و مدینه: رسول جعفریان، قم، مشعر، ۱۳۸۶ش؛ اشارة الترغیب: محمد بن اسحق الخوارزمی (م. ۸۲۷ق.)، به کوشش الذهبی، مکه، مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۸ق؛ اخبار المدینه: محمد ابن زباله (م. ۱۹۹ق.)، به کوشش ابن سلامه، مرکز بحوث و دراسات المدینه، ۱۴۲۴ق؛ الاخوانیه: ابن تیمیه (م. ۷۲۸ق.)، به کوشش الدانی بن منیر، بیروت، المکتبه العصریه، ۱۴۲۳ق؛ ارشاد القلوب: حسن بن محمد الدیلمی (م. ۸۴۱ق.)، به کوشش سید هاشم، دار الاسوه، ۱۴۱۷؛ الاستیعاب: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق.)، به کوشش البجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق؛ اسد الغابه: ابن اثیر (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار الکتب العربی؛ الشفاء بتعریف حقوق المصطفی: قاضی عیاض (م. ۵۴۴ق.)، عمان، دار الفیحاء، ۱۴۰۷ق؛ الاعلاق النفیسه: ابن رسته (م. قرن ۳ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۸۹۲م؛ اعیان الشیعه: سید محسن الامین (م. ۱۳۷۱ق.)، به کوشش حسن الامین، بیروت، دار التعارف؛ امتاع الاسماع: المقریزی (م. ۸۴۵ق.)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق؛ الانس الجلیل بتاريخ القدس و الخلیل: مجیر الدین الحنبلی (م. ۹۲۸ق.)، به کوشش عدنان یونس، عمان، مکتبه دنیس، ۱۴۲۰ق؛ انساب الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش محمودی، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۴ق؛ بحار الانوار: المجلسی (م. ۱۱۱۰ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق؛ البدايه و النهايه: ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق؛ بقیع الغرقد فی

مسلمانان جهان برانگیخت. دولت ایران روز ۱۶ صفر سال ۱۳۴۴ق. را به مناسبت این هتک حرمت، عزای عمومی اعلان کرد. آیت الله مدرس پیگیری‌هایی انجام داد و مجلس ایران کمیونی را برای بررسی این موضوع تشکیل داد. مسلمانان در کشورهای چون هند، پاکستان و نیز بخش‌های مسلمان‌نشین شوروی سابق با برپایی همایش و ارسال پیام، به این اقدام اعتراض کردند و دولت سعودی برای پیشگیری از خشم مسلمانان و توجیه کوشش‌های خود، نمایندگان دولت‌های مسلمان را به مکه فراخواند. از ایران هیأتی مرکب از غفار خان جلال السلطنه، وزیر مختار ایران در مصر، و نیز حبیب‌الله خان هویدا در تاریخ ۲۴ شهریور ۱۳۰۴ش. وارد جده شد؛ ولی با ترفندهای دولت سعودی و عدم پیگیری جدی از سوی مقام‌های کشورهای اسلامی، این قضیه مسکوت ماند.<sup>۱</sup> (← بقیع)

شیخ عبدالرحیم صاحب فصول حائری (م. ۱۳۲۷ش.) از دانشوران تهران، در سال ۱۳۴۵ق. همراه گروهی از ایرانیان از راه شام به حج رفت و پس از مذاکراتی با ملک عبدالعزیز توانست رضایت پادشاه سعودی را برای بازسازی بخشی از قبور امامان شیعه جلب نماید.<sup>۲</sup>

۱. تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص ۴۱-۶۰.

۲. مجله خرد، سال ۱۳۲۸ش، ش ۲، به نقل از سایت خبر آنلاین.

١٤٠٥ق؛ التنبیه و الاشراف: المسعودی (م.٣٤٥ق.)، بیروت، دار صعب؛ الجواهر الثمینه: محمد کبریت المدني (م.١٠٧٠ق.)، به کوشش محمد حسن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ١٤١٧ق؛ الحصون المنیعہ: محسن الامین (م.١٣٧١ق.)، ١٣٢٦ق؛ الخصال: الصدوق (م.٣٨١ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ١٤١٦ق؛ الدرۃ الثمینه: محمد بن نجار (م.٦٤٣ق.)، به کوشش شکری، بیروت، دار الارقم بن ابی الارقم؛ دلائل الامامہ: الطبری الشیعی (م.قرن ٤ق.)، قم، بعثت، ١٤١٣ق؛ ذخائر العقبی: احمد بن عبدالله الطبری (م.٩٩٤ق.)، بیروت، دار المعرفه، ١٩٧٤م؛ رحلۃ ابن بطوطه: ابن بطوطه (م.٧٧٩ق.)، به کوشش التازی، الرباط، المملکة المغربیه، ١٤١٧ق؛ رحلۃ ابن جبیر: محمد بن احمد (م.٦١٤ق.)، بیروت، دار مکتبۃ الهلال، ١٩٨٦م؛ رحلۃ العبدی: محمد عبدی (م. بعد از ٧٠٠ق.)، به کوشش علی ابراهیم کردی، دمشق، دار سعد الدین، ١٤٢٦ق؛ الرحلۃ الوریثانیہ: حسن بن محمد وریثانی (م.١٧٩٩م.)، قاهره، مکتبۃ الثقافۃ الدینیہ، ١٤٢٩ق؛ الرسائل العشر: ابن فهد الحلی (م.٨٤١ق.)، به کوشش رجایی، قم، مکتبۃ النجفی، ١٤٠٩ق؛ روح المعانی: الأکوسی (م.٢٧٠ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ زیارة و التوسل: صائب عبدالحمید، قم، الرساله، ١٤٢١ق؛ سبیل الہدی: محمد بن یوسف الصالحی (م.٩٤٢ق.)، به کوشش عادل احمد و علی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ١٤١٤ق؛ سفرنامہ فرهاد میرزا: فرهاد میرزا قاجار، به کوشش طباطبایی، تهران، مؤسسہ مطبوعاتی علمی، ١٣٦٦ش؛ سنن ابن ماجه: ابن ماجه (م.٢٧٥ق.)، به کوشش محمد فؤاد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ١٣٩٥ق؛ سنن

دراسۃ شامله: محمد امین امینی (م.١٣٤١ق.)؛ بقیع الغرقد: حاتم عمر طه و محمد انور البکری، مدینہ، مکتبۃ الحلبي، ١٤٢٤ق؛ البقیع قصۃ التدمیر: یوسف الماجری، بیروت، مؤسسۃ بقیع لاحیاء التراث، ١٤١١ق؛ بهجۃ النفوس و الاسرار: عبدالله المرجانی (م.٩٩٩ق.)، به کوشش محمد شوقی، ریاض، مکتبۃ الملک فهد، ١٤٢٥ق؛ پنجاه سفرنامہ حج قاجاری: به کوشش رسول جعفریان، تهران، نشر علم، ١٣٨٩ش؛ تاج المفروق: خالد البلیوی (م.قرن ٨ق.)، به کوشش السائح، الامارات، احیاء التراث الاسلامی؛ تاریخ حرم ائمہ بقیع: محمد صادق نجمی، تهران، مشعر، ١٣٨٦ش؛ التاریخ القویم: محمد طاهر الکردی، به کوشش ابن دھیش، بیروت، دار خضر، ١٤٢٠ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م.٣١٠ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلمی، ١٤٠٣ق؛ تاریخ مدینۃ دمشق: ابن عساکر (م.٥٧١ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ١٤١٥ق؛ تاریخ المدینۃ المنوره: ابن شیبہ (م.٢٦٢ق.)، به کوشش شلتوت، قم، دار الفکر، ١٤١٠ق؛ تاریخ معالم المدینۃ المنوره قديماً و حديثاً: احمد ياسين الخيارى (م.١٩٦٠م.)، عربستان، عامه، ١٤١٩ق؛ التحفة اللطيفه: شمس الدين السخاوي (م.٩٠٢ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ١٤١٤ق؛ تخريب و بازسازی بقیع به روایت اسناد: تهران، مشعر، ١٤٢٨ق؛ تذکرۃ الخواص: سبط بن الجوزی (م.٦٥٤ق.)، قم، الرضی، ١٤١٨ق؛ التعریف بما أنست الهجره: محمد المطری (م.٧٤١ق.)، به کوشش الرحیلی، ریاض، دار الملک عبدالعزیز، ١٤٢٦ق؛ تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن): القرطبی (م.٦٧١ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی،

۱۳۸۵ق؛ **کشف الارتیاب**: سید محسن الامین (م. ۱۳۷۱ق.)، به کوشش امین، مکتبه الحریس، ۱۳۸۲ق؛ **کشف القناع**: اسد الله بن اسماعیل التستری (م. ۱۲۳۷ق.)، آل البيت (ع)؛ **لغت‌نامه**: دهخدا (م. ۱۳۳۴ش.) و دیگران، مؤسسه لغت‌نامه و دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش؛ **مجمع البحرين**: الطریحی (م. ۱۰۸۵ق.)، به کوشش حسینی، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۳ق؛ **مجمع الزوائد**: الهمیثی (م. ۸۰۷ق.)، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۲ق؛ **المحیط فی اللغه**: صاحب بن عباد (م. ۳۸۵ق.)، به کوشش محمد حسن آل یاسین، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۴ق؛ **المدخل الی موسوعة العتبات المقدسه**: جعفر خلیلی، بیروت، الاعلمی، ۱۹۸۷م؛ **مرآة الحرمین**: ابراهیم رفعت پاشا (م. ۱۳۵۳ق.)، قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۴۴ق؛ **مروج الذهب**: المسعودی (م. ۳۴۶ق.)، به کوشش اسعد داغر، قم، دار الهجره، ۱۴۰۹ق؛ **مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام**: الشهدی الثانی (م. ۹۶۵ق.)، قم، معارف اسلامی، ۱۴۱۶ق؛ **المستدرک علی الصحیحین**: الحاکم النیشابوری (م. ۴۰۵ق.)، به کوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ **مسند احمد**: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ **المعارف**: ابن قتیبه (م. ۲۷۶ق.)، به کوشش ثروت عکاشه، قم، الرضی، ۱۳۷۳ش؛ **معالم مکه و المدینه بین الماضي و الحاضر**: یوسف رغدا العاملی، بیروت، ۱۴۳۱ق؛ **معجم مقاییس اللغه**: ابن فارس (م. ۳۹۵ق.)، به کوشش عبدالسلام، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۰۴ق؛ **مغنی المحتاج**: محمد الشریینی (م. ۹۷۷ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ق؛ **مقابر در معماری ایران دوره اسلامی**: رابرت هیلن برند، ترجمه: کرامت الله افسر، تهران، محمد یوسف کیانی، ۱۳۶۶ش؛

**النسائی**: النسائی (م. ۳۰۳ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۳۴۸ق؛ **شرائع الاسلام**: المحقق الحلی (م. ۶۷۶ق.)، به کوشش سید صادق شیرازی، تهران، استقلال، ۱۴۰۹ق؛ **شرح الشفاء**: قاضی عیاض (م. ۵۴۴ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق؛ **شرح نهج البلاغه**: ابن ابی‌الحدید (م. ۶۵۶ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ق؛ **شعب الایمان**: البیهقی (م. ۴۵۸ق.)، به کوشش محمد سعید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق؛ **صحیح ابن حبان**: علی بن بلیان الفارسی (م. ۷۳۹ق.)، به کوشش الارنؤوط، الرساله، ۱۴۱۴ق؛ **صحیح مسلم**: مسلم (م. ۲۶۱ق.)، بیروت، دار الفکر؛ **صیانة الآثار الاسلامیه**: جعفر سبحانی، معاونیه التعلیم و البحوث الاسلامیه؛ **الطبقات الکبری**: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ **عنوان المجد فی تاریخ نجد**: عثمان بن عبدالله بن بشر، ریاض، مکتبه ریاض الحدیث؛ **العین**: خلیل (م. ۱۷۵ق.)، به کوشش المخزومی و السامرائی، دار الهجره، ۱۴۰۹ق؛ **الفتاوی الکبری**: ابن تیمیه (م. ۷۲۸ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر و مصطفی عبدالقادر، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق؛ **فرهنگ فارسی**: معین (م. ۱۳۵۰ش.)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵ش؛ **فصول من تاریخ المدینه المنوره**: علی حافظ، جده، شرکه المدینه المنوره، ۱۴۱۷ق؛ **القاب الرسول و عترته**: من قدماء المحدثین، قم، مکتبه النجفی، ۱۴۰۶ق؛ **الکافی**: الكلینی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ **کامل الزیارات**: ابن قولویه القمی (م. ۳۶۸ق.)، به کوشش القیومی، قم، نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق؛ **الکامل فی التاریخ**: ابن اثیر (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر،



الملل و النحل: السبحانی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۲۰ق؛ من اخبار الحجاز و النجد فی تاریخ الجیرتی: محمد ادیب غالب، دار الیمامه، ۱۳۹۵ق؛ موسوعة العتبات المقدسه: جعفر خلیلی، بیروت، الاعلمی، ۱۴۰۷ق؛ موسوعة مرآة الحرمين الشریفین: ایوب صبری پاشا (م. ۱۲۹۰ق)، قاهره، دار الأفاق العربیه، ۱۴۲۴ق؛ المهذب: القاضی ابن البراج (م. ۴۸۱ق)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۶ق؛ میقات حج (فصلنامه): تهران، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت؛ نزهة الناظرین: جعفر بن اسماعیل المدنی، به کوشش سعید بن سلمی، مکتبة الرفاعی؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴ق)، قم، آل البیت (ع.ع.ع)، ۱۴۱۲ق؛ وفاء الوفاء: السمهودی (م. ۹۱۱ق)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۶م.

سید علی خیرخواه علوی



### بکائین: صحابه تهیدست مشتاق جهاد در غزوه تبوک

این واژه از «ب - ك - ی» به معنای گریستن با صدای بلند است<sup>۱</sup> و در اصطلاح، به برخی صحابه تهیدست رسول خدا (ص) اطلاق می شود که به سال نهم ق. هنگامی که او رهسپار نبرد تبوک بود، نزد وی آمدند تا با دریافت زاد و توشه و مرکب، امکان حضور در آن غزوه را

۱. مفردات، ص ۱۴۱، «بکی».

بیابند؛ اما پیامبر توان تجهیز آن ها را نیافت؛ زیرا غزوه تبوک\* هزینه فراوان داشت و اوضاع مسلمانان نیز مساعد نبود. از این رو، آنان که از توفیق شرکت در جهاد محروم شده بودند، گریستند.<sup>۲</sup> به گزارش برخی مفسران، آیه ۹۲ توبه/۹ درباره آنان نازل شد و به مرتبه ایمان ایشان اشاره کرد و جهاد را از آن ها ساقط دانست<sup>۳</sup>: «وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ»<sup>۴</sup>. گویند هنگامی که آن ها از رفتن خود نومید شدند، گریان از نزد پیامبر بازگشتند. یامین/ابن یامین از بنی نضیر، دو تن از آن ها به نام ابولیلی عبدالرحمن بن کعب و عبدالله بن مغفل<sup>۵</sup> را تجهیز کرد و آن دو با پیامبر (ص) رهسپار تبوک شدند.<sup>۶</sup> عباس بن عبدالمطلب و عثمان بن عفان نیز هر یک دو تن را تجهیز کردند.<sup>۷</sup> بر پایه گزارش واقدی، عثمان سه نفر را آماده نبرد نمود.<sup>۷</sup>

سیره نویسان و مفسران درباره تعداد و نام های

۲. المغازی، ج ۳، ص ۳۹۹؛ السیره النبویه، ج ۴، ص ۹۴۵؛ الطبقات، ج ۲، ص ۱۲۵.

۳. جامع البیان، ج ۱۰، ص ۲۶۹؛ اسباب النزول، ص ۱۷۴؛ مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۰۴-۱۰۵.

۴. سبل الهدی، ج ۵، ص ۴۳۹.

۵. السیره النبویه، ج ۴، ص ۹۴۵؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۲۳۴.

۶. التبیان، ج ۵، ص ۲۸۰؛ مجمع البیان، ج ۵، ص ۹۱.

۷. المغازی، ج ۳، ص ۳۹۹.